دیوان

مولانا شمس الدین محمد

حافظ شیرازی

باهتمام

دکتر یحیی قریب

[illegible] دانشگاه تربیت معلم

دیوان

مولانا شمس الدین محمد

حافظ شیرازی

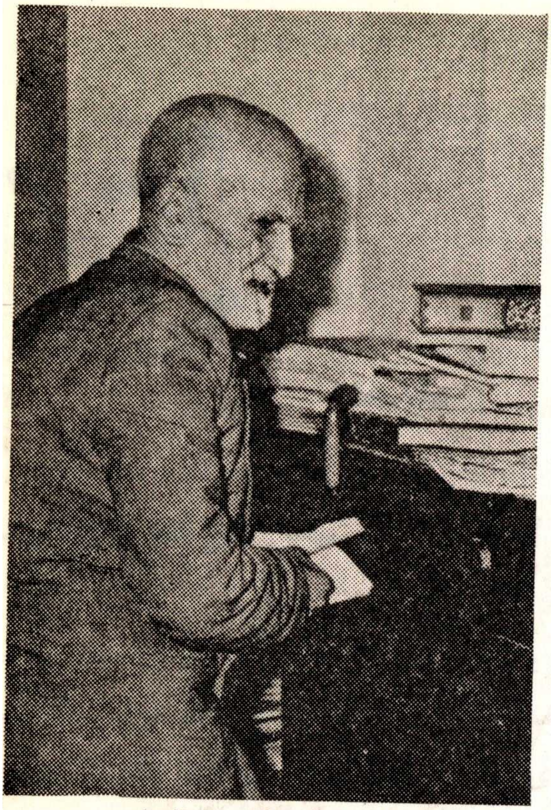
باهتمام

دکتر یحیی قریب

استاد دانشگاه تربیت معلم

انتشارات صفی علیشاه

□ دیوان حافظ
□ بکوشش دکتر یحیی قریب
□ چاپ چهارم ۶۸
□ تیراژ ۳۰۰۰
□ چاپ : چاپخانه مروی



تقديم بەشادروان پدرم استاد
عبدالعظيم قريب

مقدّمه

بنام خدایی که جان آفرید　　　　سخن گفتن اندر زبان آفرید

در این سالهای اخیر با دست یافتن به‌نسخ کهن و معتبر در جهت شناخت و بدست دادن متن درست و صحیحـی از اشعار خواجه حافظ غزل سرای نامور و شیرین سخن ایران کوششهای بسزا و مساعی جمیله بعمل آمده و گامهایی دراین راه برداشته شده وما را به‌متن صحیح واصیل دیوان این شاعر بزرگوار نزدیکترساخته است، با این‌همه باز مشکلات وموارد تحریف شده و مشکوك و مبهم در نسخه‌های دیوان وجود دارد که نیازمند تدقیق و تعمّق وتحقیق است و باید بـه‌استعانت نسخ اصیل‌تربه‌حل آن مشکلات اقدام ورفع‌ابهام‌شود، زیرا داشتن متنی مصحّح ومنقّح ازدیوان حائزاهمیت فراوان است وبه‌درك مفاهیم ومعانی‌اشعارکمك شایان میکند، لذا این بنده باوجود بضاعت مزجات ادبی برای آنکه سهم کوچکی ازاین کوششها داشته باشد به‌کمك نسخه‌ای که شرح مختصّات آن درذیل بیاید بـه‌تصحیح دیوان حافظ وچاپ انتقادی از آن همّت‌گماشت ودراین راه‌ازبذل مجاهدت دقیقه‌ای فرو نگذاشت تا به‌یاری و تأیید خدای بزرگ توفیق رفیق گردیـد و نسخهٔ حاضر را در دسترس ارباب ذوق و ادب قرار داد، باشدکه این کوشش و گام ناچیز نیز در راه شناخت هرچه بیشتر اندیشهٔ والاّ وسخن وکلام راستین حافظ شیرین کلام‌مؤثّرافتد.

مختصات نسخهٔ اساس

این نسخهٔ خطّی که اساس چاپ دیوان حاضراست متعلّق به نگارنده و جزء مجموعه‌ایست که شامل این دیوانها نیز می‌باشد: دیوان کاتبی، دیوان خیالی، دیوان‌بساطی، دیوان طوسی، دیوان امیرشاهی، و نسخهٔ دیوان حافظ درمتن این مجموعه ازصفحهٔ ۱ تا ۳۶۲ ضبط شده وتاریخ کتابت این مجموعهٔ خطی سنهٔ ۸۶۲ هجری قمری است، وتاریخ کتابت ونام کاتب درپایان مجموعه بدینگونه آمده:

«تمت الکتاب بعون‌الله وحسن توفیقه الحمدلله علی نعمائه فی شهورسنه ۸۶۲ اقلّ عبادالله الباری محمود بن‌محمد بن‌محمود بن‌حمادی عفاالله‌عنهم وغفرذنوبهم».

نسخهٔ اساس ما نسبت به‌سایر نسخ امتیازات خاصّ وعمده‌ای دارد وبه کمك آن بسیاری از مشکلات و موارد تحریف شده ومشکوك حلّ و اصلاح شده که در پاورقیها و یادداشتها به‌آنها اشاره رفته‌است؛ درحدود ۲۱۴ مورد ازموارد اختلاف ضبط نسخهٔ اساس با نسخ دیگر منحصر و مختص به همین نسخه است و درهیچیك از نسخی که دردسترس واختیار نگارنده است به‌آن گونه وصورت موجود نیست. اینك مآ بجهت نمونه به‌بعض از آن موارد اختلاف دراینجا اشاره می‌کنیم:

نسخهٔ اساس	سایرنسخ
درحلقهٔ گل ومُل خوش خواند دوش بلبل	
فات‌الصبوح هبوا یا ایها السکا را	هات‌الصبوح
شکرفروش که ذکرش بخیر باد چرا	که عمرش درازباد چرا
تفقدی نکند طوطی شکر خارا	
ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخاست	روز بازخواست
نان حلال شیخ ز آب حرام ما	
اگر چه عرض هنرپیش دوست بی‌ادبیست	پیش یار
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربیست	

نسخهٔ اساس	سایر نسخ
مشو حافظ ز کید زلفش ایمن	
که دل برد و کنون در قصد دینست	دربند دینست
به نیم جو نخرم طاق خانقاه و رواق	طاق خانقاه ورباط
مرا که مصطبه ایوان و پای خم طنبیست	
جمال‌دوست نه‌چشمست‌وزلف‌وعارض‌وخال	جمال شخص،جمال‌یار
هزار نکته درین کار و بار دلداریست	
سرشك من که ز طوفان نوح دست ببرد	
ز لوح سینه نیارست نقش روی توشست	نقش مهرتو
سواد نامهٔ موی سیاه چون کم شد	چون طی شد
بیاض کم نشود ورصد انتخاب رود	
گوئیا خواهد گشود ازدولتم بابی، که‌دوش	از دولتم کاری
من همی کردم دعا و صبح صادق می‌دمید	
دوای درد عاشق را طبیب عام نشناسد[1]	دوای‌درد‌عاشق‌را کسی کو سهل‌پندارد
زفکر آنانکه در تدبیر درمانند، درمانند	
پنهان ز حاسدان گذرئی کن که منعمان	پنهان زحاسدان بخودم خوان
خیر نهان برای رضای خدا کنند	
که آگهست که کاوس کی به‌دخمه چه برد	که‌آگهست که‌کاوس‌و کی کجارفتند
که واقفست که چون رفت ملك جم برباد	
لب از ترشح می پاك کن ز بهر خدا	
که خاطرم بهزاران هوس مهوس شد	که خاطرم بهزاران گنه موسوس شد

۱- نظیرمضمون فوق درمصراع اول این بیت ازشیخ اجل سعدی :

علاج درد مشتاقان طبیب عام نشناسد　　مگرلیلی کند درمان غم مجنون شیدا را

نسخهٔ اساس	سایر نسخ
دوش ازین‌غصه نخفتم که حسودی‌می گفت	حکیمی میگفت ، رفیقی میگفت ،
حافظ ار مست شود جای شکایت باشد	فقیهی میگفت
کسی گیرد خطا بـر نظم حـافظ	
که هیچش نظم در گوهر نباشد	لطف در گوهر نباشد
دیشب ز شاخ سرو سهی ، بلبل صبور	دیگر زشاخ سروسهی
گلبانگ زد که چشم بد از روی یار دور	
درین مقام مجازی بجز پیاله مگیر	
دریـن سراچـهٔ بـازی بغیر عشق مباز	دریـن سراچهٔبازیچه غیرعشق مباز
از خطا گفتم شبی زلف ترا مشك خطا	زلف ترامشك ختن
میزند هر لحظه تیغی مو بر اندامم هنوز	
دلبرم شاهد و طفلست و ببازی بازی	ببازی روزی
بکشد زارم و در شرع نباشد گنهش	
خرم‌آن دم که چو حافظ بنوای بم وزیر	بتولای‌وزیر،بتمنای‌وزیر،بتمنای‌وصال
سرخوش از میکده با دوست بکاشانه روم	
بدین دو دیدهٔ بیخواب من هزار افسوس	بدین دو دیدهٔ حیران من
که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم	
گرچوشمعش‌بیش گریم‌برغمم‌خنددچوصبح	بیش میرم
ور برنجم خاطر نازك برنجاند زمن	
آنکه مدام شیشه‌ام از می عشق داده است	ازپی عیش داده است
شیشه‌ام از چه می‌برد پیش طبیب هر زمان	
مفروش بباغ ارم و جنت شداد	نخوت شداد
يك شیشه می و نوش لبی و لب کشتی	

نسخهٔ اساس

خامان ره نرفته چه دانند قدر عشق	ذوق عشق، سوزعشق
دانا دلی بجوی ، دلبری ، سرآمدی	
کلاه سروریت کم مباد از سر حسن	کج مباد برسرحسن
که زیب بخت و سزاوار تخت وتاج سری	
میی‌دارم چوجان‌صافی‌وصوفی میکندمنعش	میکند عیبش
خدا را هیچ عاقل را مبادا بخت بد روزی	
از چشم بدسگال گزندت مباد از آنك	ازچشم‌بخت خویش مبادت گزند،
در دلبری بغایت خوبی رسیدهٔ	از چشم زخم خلق مبادت گزند،
	وبه گونه‌های دیگر

رسم‌الخط نسخهٔ اساس

۱ـ حرف «پ» عموماً با یك‌نقطه است مگردرچند موردکه با سه نقطه آمده مانند: پریشان ص ۴ (نسخهٔ خطی)، پند ص ۵، سپهر ص ۱۵، پرده ص ۷۲، پادشاه ص ۹۸، بنده‌پرور ص ۱۴۴.

۲ـ حرف«چ» دربیشترموارد با یك نقطه است ولی گاهی با سه‌نقطه نیزدیده می‌شود مانند : چاك ص ۹۶ (نسخهٔ خطی)، چاه ص ۱۰۸.

۳ـ حرف «ت» گاهی به شیوهٔ اصل عربی آن مانند هاء مدّوره (ه)نـوشته شده : خلوة ص ۲۰ (نسخهٔ خطی).

۴ـ حرف «گ» درهمه‌جا با یك سر کش است.

۵ـ حرف یاء بزرگ«ی» در آخر کلمات مختوم به الف گاهی به‌صورت همزه یا یاء کوچك آمده: بهاء باده ص ۷۴ (نسخهٔ خطی)، و در سه مورد هنگام اضافهٔ کلمهٔ مختوم به«ی» یك همزه نیز روی «ی» گذاشته شده: سلطانیٔ ص۱۰۷ (نسخهٔ خطی)، صوفیٔ ص۱۷۲، خانگیٔ ص ۲۰۵.

۶ـ «آنکه» در بیشتر موارد به‌صورت «آنك» و چنانکه نیز بجز دو سه مورد به‌گونهٔ «چنانك» نوشته شده، و چندانکه نیز بجز چند مورد همه‌جا «چندانك» ضبط شده .

۷ـ حرف «چه» هنگام پیوستن به کلمهٔ دیگر گاهی هاء آن حذف گردیده : چباك ص ۱۶ (متن حاضر)، چتوان ص ۱۵۷، چشد ص ۳۸۸، چباشد ص ۴۰۰.

۸ـ کلمات مختوم به‌هاء غیرملفوظ (مختفی) در اتّصال به‌یاء نکره و یاء ضمیر درهمه‌جا به‌این‌گونه نوشته شده: نافهٔ ص ۱ (متن حاضر)، گل دستهٔ ص ۲، خواندهٔ ص ۱۲۵، خستهٔ ص ۲۶۰، و در پیوستن به‌هاء علامت جمع در بیشتر جاها هاء غیر ملفوظ حذف شده مانند: نکتها ص ۱۶ (متن حاضر)، خرقها ص ۲۰، نافها ص۲۴، مژدها ص ۲۴، نالها ص ۸۷، مژها ص ۱۰۶، مویها ص ۲۸۶، و دریك مورد قبل‌از فعل مضارع «است» به‌این‌گونه آمده : کارخانهٔ یست ص ۹۲ (نسخهٔ خطی) ، در پیوستن به «آن» علامت جمع در دو مورد به این صورت آمده : سوختها ، بجای (سوختگان) ص ۴۴۰ (متن حاضر)، جگرتشنها ، بجای (جگرتشنگان) ص ۴۵۴.

۹ـ حرف‌اضافهٔ «ب» یا پیش‌وند«ب» در بیشترجاها پیوسته به کلمهٔ بعد نوشته شده ودربعض ازموارد نیزجدا دیده می‌شود مانند : به دریا ص ۴۴ (متن حاضر) به بلبل ص ۹۹، به‌اندازه ص ۱۶۸، به‌سر ص ۱۸۰، به‌تزویر ص ۳۰۳.

۱۰ـ می وهمی دراول افعال بهردوصورت پیوسته وجدا نوشته‌شده: میرفت، می‌گفت، همی داشت ص ۲۶ (متن حاضر)، می‌شود ص ۴۳، میکنم ص ۳۰۷.

۱۱ـ کلمات مرکّب دربیشتر ازمواردجدا ضبط شده: غم‌خوار ص ۴۵(متن حاضر)، هم‌کاران ص ۴۱ ، گم شده ص ۳۶ ، کام روا ص ۹۱، کام‌گاران ص ۱۳۸،

بزم گاه ص ۱۴۳، ره رو ص ۴۷۶.

۱۲ـ غیاث‌الدین و عمادالدین و مجدالدین به‌همین صورت بجای غیاث دین و عماد دین و مجد دین آمده، ص ۱۴۶ (متن حاضر) ص ۱۶۳، ص ۴۹۴.

۱۳ـ گاهی بعض از کلمات با اعراب دیده می‌شود مانند: مِهر ـ مُهر ص ۱۵۵ (متن حاضر)، نُقلش ـ نَقلش ص ۳۲۰، دَم ـ دُم ص ۵۰۶.

بجز موارد ۱ تا ۷ در سایر جاها ما عموماً در چاپ متن از رسم‌الخط نسخهٔ اساس پیروی کردیم.

نسخهٔ ایا صوفیه

این نسخهٔ خطی متعلّق‌به کتابخانهٔ ایا صوفیهٔ ترکیه است‌و نسخهٔ عکسی آن در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است، نسخهٔ مذکور با دیوان سلمان ساوجی در یك مجموعه است و تاریخ کتابت ونام کاتب را ندارد و ظاهراً باید بین سالهای ۸۱۲ و ۸۱۷ هجری قمری کتابت شده باشد، زیرا در یك‌جاکه تتمهٔ دیوان شروع می‌شود بعدازتتمهٔ حرف باء این عبارات آمده: «باَیام سلطنت پادشاه اسلام فرمان فرمای هفت‌اقلیم سلطان جلال‌الدنیا والدین اسکندر خلّدالله ملکه وسلطنه»، مقصود جلال‌الدین اسکندربن‌عمرشیخ ازنوادهای امیرتیمور است. این نسخه به‌دو بخش تقسیم شده، بخش نخست از غزلیات حرف الف شروع و به حرف یاء تمام می‌شود وبخش دوم اختصاص به‌تتمه ها دارد وبه‌این صورت‌آمده: تتمهٔ حرف باء. تتمهٔ حرف دال، تتمهٔ حرف زاء . . . تا آخر، ودرپایان غزلیات، مثنویات ومقطعات ورباعیات وفردیات ومعمیات وهجا (فریادت ومعمیات و هجا شامل ۱۴ بیت‌است) آورده شده ودر آخرچنین آمده: «تم دیوان الحافظ بعون‌الله وتوفیقه وصلی‌الله‌علی خیر خلقه محمد و آله»، نسخهٔ مذکورمعتبر وقابل‌اعتماد است، ضمناً دراین‌نسخه و نسخهٔ‌چاپ‌جلالی نائینی‌ونذیراحمدضمن‌مقطعات قصیده‌ای ضبط‌است‌وبه‌حافظ‌نسبت

داده شده که متعلّق به‌مسعود سعد سلمان وبیت اول آن چنین است:

دلم زانده بیحد همی نیاساید   تنم زرنج فراوان همی‌بفرساید[۱]

روش ما در تصحیح و مقابله

درتصحیح دیوان، نسخهٔ‌اساس‌خودرا اصل ومتن‌قراردادیم وآنرا بانسخه‌های چاپ قزوینی، ایا صوفیه (نسخهٔ عکسی)، نسخه‌ای خطی متعلق به نگارنده (ظاهراً مربوط به‌قرن دهم است)، چاپ افشار، چاپ دکتر خانلری، چاپ جلالی نائینی و نذیراحمد، مقابله واختلافات نسخ را درپاورقیها آوردیم وگاهی نیز ازنسخهٔ چاپ پژمان و قدسی وجامع نسخ درمقابله و نشان دادن بعض از موارد اختلاف استفاده کردیم، دراین‌تصحیح حفظ اصل‌متن نسخهٔ اساس را درهمه‌جا رعایت نمودیم مگر درپاره‌ای‌ازموارد که‌اشتباه‌وسهو کاتب‌برای مامسلّم‌وواضح بودویا ضبط‌نسخ دیگر اصحّ و انسب می‌نمود، لذا دراین‌گونه موارد ضبط سایر نسخ را اختیار کردیم و ضبط نسخهٔ اساس را درحواشی آوردیم ودراین مقابله وتصحیح بعد ازنسخهٔ اساس نسخهٔ چاپ قزوینی و ایـا صوفیه که هردو از نسخ معتبر و قابل اعتماد هستند بیشتر مورد توجّه ونظر ما بوده است، چون نسخهٔ اساس از حیث تعداد غزلیات ودیگر اشعار با نسخهٔ قزوینی و ایا صوفیه اختلاف دارد یعنی بعض از غزلیات و رباعیات ومقطعات درنسخهٔ ما هست و دراین دونسخه نیست و یا بالعکس، بنابراین درجایی که غزل ویا رباعی وقطعه‌ای درنسخهٔ‌اساس ما نبود اگر درنسخهٔ‌قزوینی وایاصوفیه موجود بود آنها را به‌متن دیوان افزودیم ولی چنانچه غزلی و یا رباعی و قطعه‌ای تنها درنسخهٔ قزوینی وجود داشت از نقل آن خودداری کردیم.

۱- دیوان مسعود سعد سلمان به‌اهتمام رشید یاسمی ص ۱۲۱.

نشانه‌های اختصاری نسخه‌ها

۱ـ ق : چاپ قزوینی .
۲ـ ایا : نسخهٔ ایا صوفیه .
۳ـ الف : چاپ افشار .
۴ـ قب : نسخهٔ خطی متعلّق به نگارنده .
۵ـ خ : چاپ دکتر خانلری .
۶ـ نج : چاپ جلالی نائینی و نذیراحمد.

در خاتمه از استاد گرانمایه و دانشمند جناب آقای دکتر احسان‌الله علی استخری که مشوّق و راه گشای من دراین‌راه بوده‌اند صمیمانه سپاسگزارم .

ونیز ازدوست‌ارجمند جناب آقای منصورمشفق همدانی مدیرمحترم‌انتشارات صفی‌علیشاه که‌وسائل‌وموجبات چاپ وانتشاراین دیوانرافراهم کرده‌اندنهایت‌امتنان را دارم، و همچنین کوششها ودقتها ومراقبتهای جناب‌آقای علی‌آهنیان مدیر محترم چاپخانهٔ کاویان درکار چاپ دیوان مورد قدردانی ومشکور است.

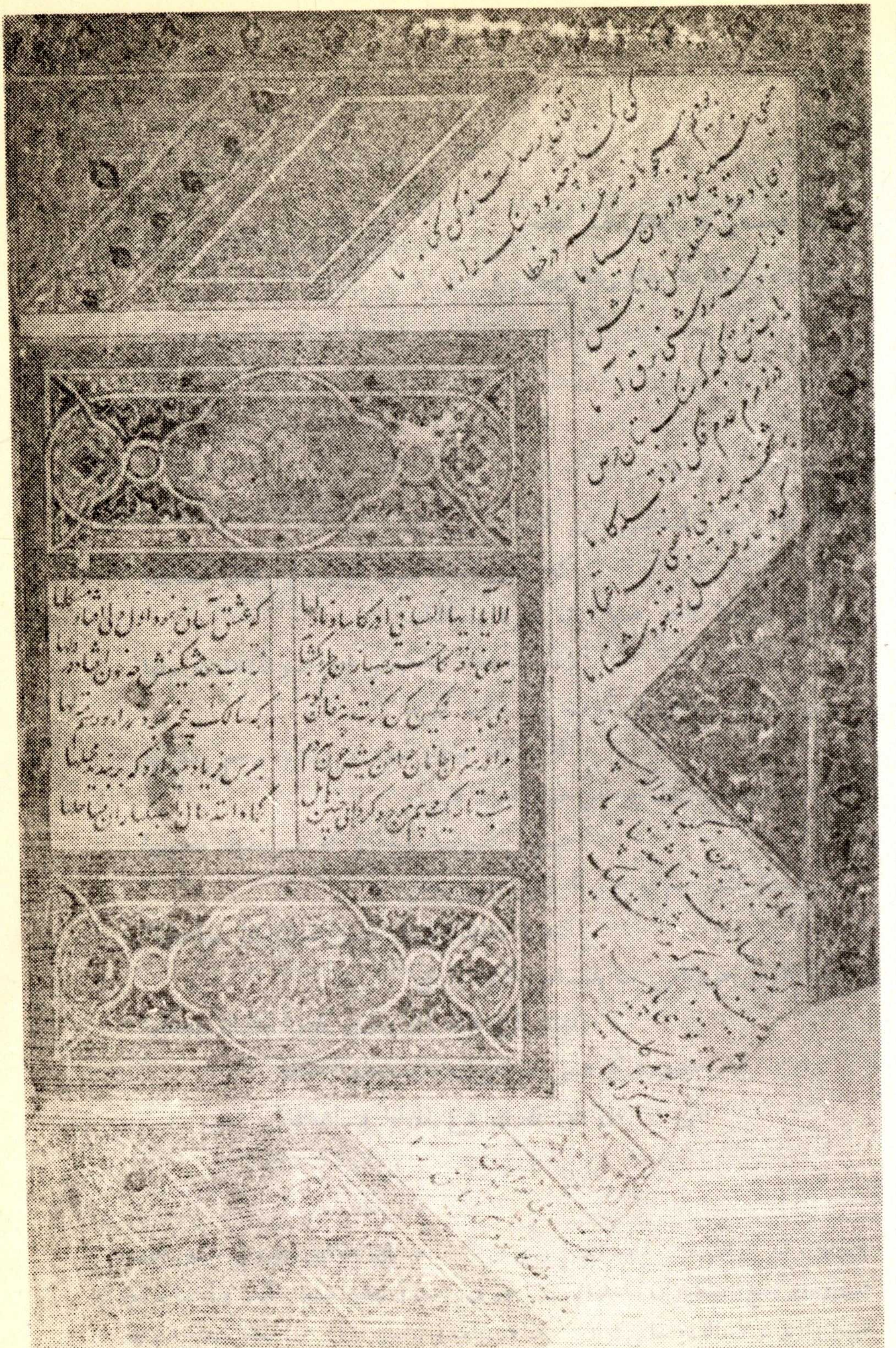
امید است که این کوشش وخدمت‌ناقابل درنظرارباب‌فرهنگ وادب‌پسندیده آید وبه‌عین رضا درآن بنگرند.

تا که قبول افتد و چه درنظر آید

والحمدلله ربّ‌العالمین والصّلوة والسّلام علی‌سیّدنا محمّد وآله‌الطّاهرین.

دکتر یحیی قریب

تهران ـ اسفند ماه ۱۳۵٤ شمسی .



نخستین صفحه از نسخهٔ خطی اساس

حافظ سخن بگوی که برصفحهٔ جهان

این نقش ماند از قلمت یادگار عمر